نیک‌زاد، فاطمه؛ عصاره، فریده (۱۳۹۴). بررسی استنادی و محتوایی کتاب‌های تألیفی فارسی موجود در سرفصل جدید کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی (مصوب ۱۳۸۸) کشور برپایه استنادهای درون‌متنی آن کتاب‌ها. *پژوهش‌نامه کتابداری واطلاع‌رسانی*، ۵ (۱)، ۱۵۲-۱۳۸.

بررسی استنادی و محتوایی کتاب‌های تألیفی فارسی موجود در سرفصل جدید کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی (مصوب ۱۳۸۸) کشور برپایه استنادهای درون‌متنی آن کتاب‌ها[1]

فاطمه نیک‌زاد[2]، دکتر فریده عصاره[3]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۱۶

چکیده

هدف: *پژوهش حاضر با هدف تعیین اعتبار نویسندگان و منابع مورد استفاده به بررسی وضعیت استنادهای درون‌متنی در کتاب‌های تألیفی فارسی موجود در سرفصل جدید کتابداری و اطلاع‌رسانی پرداخته است.*

روش: *روش مورد استفادهٔ این پژوهش، روش تحلیل استنادی و محتوایی بوده است. بدین منظور از ۱۰۳ عنوان کتاب تألیفی موجود در منابع سرفصل مورد مطالعه، تعداد ۴۹۹۴ استناد درون‌متنی استخراج شد.*

یافته‌ها: *نتایج حاصل نشان داد که ۵۳/۷۲ درصد استنادها را منابع خارجی و ۳۸/۶۸ درصد را منابع فارسی تشکیل داده است. از مجموع استنادها، کتاب‌ها (۶۱/۵۳ درصد)، بیش‌ترین تعداد استناد را به خود اختصاص داده‌اند، و سپس مجله‌ها(۲۴/۸۲ درصد) در رتبه دوم قرار گرفتند. از میان کتاب‌ها، کتاب‌های «اصطلاحنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی» با ۸۰ و «Children's Literature in the Elementary School» با ۴۶ مورد استناد، به ترتیب پربسامدترین کتاب‌های فارسی و انگلیسی، و نشریات «فصل‌نامه کتاب» و «Academy of Management Journal»، پربسامدترین نشریات فارسی و انگلیسی بوده‌اند. «پوری سلطانی» با ۱۰۷ استناد و «چارلز ساماران» با ۵۶ استناد نیز به عنوان پراستنادترین نویسندگان فارسی و انگلیسی تعیین شدند. علاوه براین، موضوع «رکوردهای کتاب‌شناختی» (۷/۷۸ درصد) بیش‌ترین میزان استفاده را در تدوین منابع مورد استناد داشته است.*

کلیدواژه‌ها: *تحلیل استنادی، سرفصل کارشناسی، کتابداری و اطلاع‌رسانی، استناد درون‌متنی، تحلیل محتوا*

---

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد می‌باشد.

۲. کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی fatemehneekzad@yahoo.com

۳. استاد گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز osareh.f@gmail.com

مقدمه

برنامه‌های درسی، یکی از عناصر یا خرده نظام‌های اصلی، آموزش عالی هستند که نقش تعیین کننده و غیرقابل انکاری را در راستای تحقق اهداف و رسالت دانشگاه‌ها، از نظر کمّی و کیفی، ایفا می‌کنند. عدم توجه و بازبینی‌های مداوم به برنامه درسی می‌تواند یکی از دلایل عمده نارسایی آموزش در هر جامعه‌ای باشد. با توجه به این مهم و هم‌چنین با توجه به روند رو به رشد کتابداری و اطلاع‌رسانی در دانشگاه‌های کشور، به‌ویژه در سطح کارشناسی، نیاز به متون علمی در زمینه‌های گوناگون این رشته احساس می‌شود. بنابراین، نه‌تنها ضروری است که برنامه‌های درسی کارآمد، معتبر و روزآمدی تدوین شود، بلکه باید این گونه برنامه‌ها در طول زمان همواره مورد بررسی، ارزیابی، و بازبینی قرار گیرند.

یکی از کارآمدترین روش‌های ارزیابی دقیق متون علمی تحلیل استنادی است که از طریق آن می‌توان به بررسی دقیق آثار علمی و از جمله کتاب‌های درسی پرداخت. اما، نکته‌ای که در استفاده از روش تحلیل استنادی قابل‌توجه است، این است که در تحلیل استنادی، معمولاً یک منبع، صرف نظر از تعداد دفعاتی که به لحاظ درون‌متنی مورد استناد واقع می‌شود، فقط یک استناد به‌حساب می‌آید و در این روش، هیچ تفاوتی بین دو منبعی که یکی فقط یک‌بار در متن مورد استناد قرارگرفته است و دیگری بیش از یک‌بار، وجود ندارد که نشان از تفاوت نقش استنادهای درون‌متنی و استنادهای مآخذ در تحلیل استنادی دارد.

بیان مسئله

کتاب‌های درسی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی از جمله منابع مفید و ارزش‌مند برای دانشجویان و اساتید این رشته به شمار می‌روند. با توجه به این‌که مخاطبان و مطالعه‌کنندگان این کتاب‌ها از این قشر بوده و همواره در تلاش برای دستیابی به منابع در کم‌ترین زمان ممکن هستند، با بررسی وضعیت کتاب‌های موجود در سرفصل کارشناسی این رشته می‌توان به منابع مهم و مفید، نویسندگان پراستناد و مؤثر در این حوزه و هم‌چنین به چگونگی استفادهٔ نویسندگان از منابع، جهت تألیف کتاب‌ها پی برد. پدیدآورندگان به گونه‌های مختلف منابع استناد می‌کنند و این منابع می‌توانند از لحاظ نوع محمل، زبان، زمان و غیره مورد بررسی قرار گیرند. از این‌رو، مسئله پژوهش حاضر عبارت است از: ارزیابی اعتبار علمی کتاب‌های تألیفی فارسی موجود در سرفصل جدید کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی (مصوب ۱۳۸۸) بر پایه تحلیل استنادهای درون‌متنی آن‌ها که منجر به شناسایی اعتبار نویسندگان و منابع مورد استناد و میزان روزآمدی

آن‌ها در کتاب‌های تألیفی سرفصل رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی شده است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

کتاب‌های تألیفی پیشنهاد شده در سرفصل ارائه شده از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جهت تدریس دروس، مورد استفاده اساتید قرار می‌گیرند، روشن است که این کتاب‌ها باید از اعتبار علمی کافی برخوردار باشند. لذا اهمیت پژوهش حاضر در راستای مشخص نمودن منابع پراستناد و نویسندگان آن‌ها و هم‌چنین ربط موضوعی استنادها در کتاب‌های موجود در سرفصل مورد مطالعه بوده است، تا مشخص شود که منابع مورد استناد در این کتاب‌ها تا چه میزان معتبر و روزآمد هستند. سپس چنان‌چه کتاب یا کتاب‌هایی در این سرفصل موجود باشند که احیاناً از اعتبار کم‌تری برخوردار باشند (به لحاظ اعتبار نویسنده، اعتبار استنادهای درون‌متنی، و روزآمد بودن)، شناسایی و معرفی، و در قالب پیشنهادهایی جهت بررسی‌های دقیق‌تر در بازنگری آینده این سرفصل، ارائه خواهند شد.

هدف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش شناسایی اعتبار علمی کتاب‌های درسی تألیفی در سرفصل دروس مقطع کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (مصوب ۱۳۸۸)[1] از طریق تحلیل استنادی و محتوایی استنادهای درون‌متنی آن کتاب‌ها به منظور تعیین اعتبار منابع و نویسندگان آن‌ها در سرفصل مورد مطالعه، است.

پرسش‌های پژوهش

این پژوهش درصدد است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱.تعداد استنادهای درون‌متنی در هر کدام از کتاب‌های موجود در سرفصل مورد مطالعه و نیز در کل آن کتاب‌ها (اعم از داخلی و خارجی) چقدر است؟

۲.توزیع فراوانی انواع منابع و تعداد استناد به آن‌ها در کتاب‌های موجود در سرفصل مورد مطالعه، چگونه است؟

۳.وضعیت زبانی استنادهای درون‌متنی در کتاب‌های موجود در سرفصل مورد مطالعه چگونه است؟

---

۱. از این به بعد به جای ذکر کامل سرفصل دروس کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (مصوب ۱۳۸۸)، "سرفصل مورد مطالعه" به‌کار برده خواهد شد.

۴.منابع مورد استناد در کتاب‌های موجود در سرفصل مورد مطالعه، تا چه میزان روزآمد هستند؟ به‌عبارت‌دیگر نیم‌عمر آن‌ها چقدر است؟

۵.پراستنادترین (تأثیرگذارترین) نویسندگان (اعم از داخلی و خارجی) به لحاظ استنادهای درون‌متنی در کتاب‌های موجود در سرفصل مورد مطالعه، کدام‌اند؟

۶.پراستنادترین منابع (اعم از داخلی و خارجی) به لحاظ استنادهای درون‌متنی، در کتاب‌های موجود در سرفصل مورد مطالعه، کدام‌اند؟

۷.میزان انطباق موضوعی منابع مورد استناد با موضوع کتاب استنادکننده چه اندازه است؟

۸.آیا در منابعی از دروس در سرفصل مورد مطالعه، کتاب‌هایی وجود دارد که به لحاظ اعتبار نویسنده، اعتبار استنادهای درون‌متنی، اعتبار ناشر و روزآمدی، دارای کاستی‌هایی هستند و ضروری است در بازنگری این سرفصل، مورد بررسی واقع شوند؟

مرور پیشینه‌های پژوهش

پژوهش‌های زیادی با استفاده از تحلیل استنادی و تحلیل محتوایی مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها در رشته‌های مختلف، هم در ایران و هم در خارج از ایران انجام‌شده است، اما تعداد پژوهش‌هایی که کتاب‌های درسی را با این روش بررسی نموده‌اند کم بوده و به‌ویژه درزمینهٔ کتاب‌های درسی کتابداری و آن هم از طریق استنادهای درون‌متنی هیچ موردی مشاهده نشده است. در این قسمت تنها به پژوهش‌هایی که ارتباط بیش‌تری با پژوهش حاضر دارند (بر پایه شباهت روش پژوهش، اهداف و واحد تحلیل) اشاره می‌شود.

پیشینه در خارج از کشور

شایکور[1] (1982) در پژوهشی با استفاده از روش تحلیل استنادی به بررسی استنادهای کتاب‌های درسی مقدماتی جرم‌شناسی پرداخت. این پژوهش با هدف شناسایی پراستنادترین نویسندگان علوم اجتماعی در کتاب‌های درسی جرم‌شناسی طی بیست سال انجام شد. استنادها به دو صورت رتبه‌بندی شدند: رتبه‌بندی نویسندگان بر پایه تعداد کتاب‌هایی که در آن‌ها نامشان مورد استناد قرارگرفته بود و رتبه‌بندی نویسندگان بر پایه تعداد کل دفعاتی که هر کدام مورد استناد قرار گرفتند. نتایج نشان داد که به "*سادرلند*"[2] حداقل پنج‌بار در تمام بیست کتاب استناد شده بود.

1 . Shichor
2. Sutherland

جف[۱] (1997) با استفاده از روش تحلیل استنادی، کتاب‌های درسی بین‌المللی رشته بازاریابی را مورد بررسی قرارداد. هدف از این پژوهش تعیین پراستنادترین نویسندگان و منابع مورد استفاده در این کتاب‌ها بوده است. جامعه آماری پژوهش پانزده کتاب بین‌المللی را شامل می‌شد که ۶۱۶۶ استناد از آن‌ها استخراج شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که پاتر[۲] پراستنادترین نویسنده، و کتاب Marketing پراستنادترین کتاب مورد استفاده بوده است. از نظر نوع محمل اطلاعاتی نیز، مقاله‌های مجله‌ها در رتبه اول و کتاب‌ها و سایر منابع در رتبه‌های بعدی جای گرفتند. از میان مجله‌های مورد استناد، مجلهٔ «Harvard Business Review» بیش از سایر مجله‌ها مورد استناد قرارگرفته است.

جونز[۳] (2010) در پایان‌نامهٔ خود با عنوان «تحلیل محتوای کمّی استنادهای درون‌متنی در کتاب‌های درسی آموزش آوازخوانی منتشرشده طی سال‌های ۱۹۸۹-۲۰۰۹» به ارزیابی نوع و بسامد استنادهای درون‌متنی در ۱۴۲ کتاب درسی آموزش آوازخوانی پرداخت. یافته‌های پژوهش وی نشان داد که ۷۵/۳۵ درصد از کتاب‌های بررسی‌شده دارای پنجاه یا کم‌تر از پنجاه استناد درون‌متنی بوده‌اند. چهارمجله پراستناد نیز شناسایی شدند. همچنین کتاب «Bodymind and Voice» نسبت به دیگر کتاب‌ها کم‌تر مورد استفاده قرارگرفته بود.

پیشینه در داخل کشور

عصاره (1986) در پژوهشی مقاله‌های پزشکی فارسی منتشرشده در دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، و فردوسی مشهد طی سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶ را مورد بررسی استنادی قرار داد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که از نظر نوع منابع مورد استناد، ۷۶/۳ درصد استنادها به مجله‌ها و ۳۳/۷ درصد به کتاب‌ها و دیگر منابع بوده است. هم‌چنین از نظر نوع زبان منابع مورد استناد مشخص شد که ۸۰/۹۶ درصد استنادها به منابع انگلیسی زبان بوده و پس‌ازآن منابع فرانسوی، آلمانی، و فارسی به ترتیب رتبه‌های دوم تا چهارم را به خود اختصاص داده‌اند.

محمدی و متقی‌دادگر (2006) به منظور ارزیابی دقیق وضعیت مقاله‌های فصل‌نامه «کتابداری و اطلاع‌رسانی» و تعیین الگوی رفتاری پژوهشگران این حوزه، پژوهشی را با استفاده از روش تحلیل استنادی انجام داده‌اند. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها مشخص شد که در بین محمل‌های اطلاعاتی، مقاله‌ها قبل از کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها قرار گرفتند. منابع زبان انگلیسی در استنادها با اندکی اختلاف، بالاتر از زبان فارسی

1. Jaff
2. Poter
3. Jones

قرار گرفت. به «دانش‌نامه کتابداری» در بین کتاب‌ها و «عباس حرّی» و «محمدحسین دیانی» در بین پدیدآورندگان کتاب‌ها، «محمدحسین دیانی» و«رحمت‌الله فتاحی» در بخش مقاله‌ها و پایان‌نامهٔ «فریده عصاره» در بخش پایان‌نامه‌ها بیش از همه استناد شده بود. «فصل‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی» و «فصل‌نامه کتاب» در کنار سه مجله دیگر به عنوان مجله‌های هسته این رشته در فارسی شناسایی شدند.

کیان‌مهر (2007) در مقاله خود با به‌کارگیری روش تحلیل استنادی، مقاله‌های منتشرشده در مجله‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی را از سال ۱۳۷۵ تا پایان سال ۱۳۸۲ مورد بررسی قرار داده است. با تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده، نوع منابع مورد استفاده، زبان، و نیم‌عمر انواع منابع و هم‌چنین مجله‌ها و نویسندگان هسته تعیین‌شده است. نتایج نشان داد، بالاترین میزان استناد در میان انواع منابع اطلاعاتی (۴۸/۴۳ درصد) مربوط به کتاب‌هاست، ۵۴/۷۵ درصد از استنادها به زبان فارسی است، و کتاب‌ها با هفت سال و هشت ماه بیش‌ترین و منابع الکترونیکی با یک سال و سه ماه کمترین میانگین نیم‌عمر را داشته‌اند. هم‌چنین این پژوهش نشان می‌دهد: مجله‌های فصل‌نامه کتاب با ۱۴۱ مورد، پیام کتابخانه با ۱۳۱ مورد، «Journal of the American Society for Information Science» با ۹۷ مورد، اطلاع‌رسانی با ۷۹ مورد، «College and Research Libraries» با ۵۴ مورد، و دفتر کتابداری با ۳۵ مورد استناد پراستفاده‌ترین مجله‌ها بوده‌اند. گرایش موضوعی استنادها نیز نشان داد که موضوع «مواد و منابع» با ۱۷/۷۴ درصد بیش‌ترین استفاده را داشته است.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی تحلیلی و با استفاده از دو روش تحلیل استنادی و تحلیل محتوایی انجام‌شده است. جامعه آماری این پژوهش ۱۰۳ عنوان کتاب تألیفی موجود در جدیدترین سرفصل کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی دروس وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (مصوب ۱۳۸۸)، بوده است، که از این تعداد فقط ۵۸ عنوان دارای استناد درون‌متنی بوده‌اند که جامعه آماری این پژوهش را به‌صورت سرشماری تشکیل داده‌اند.

ابزار گردآوری داده‌ها در این بررسی، سیاهه وارسی است که اطلاعات موردنیاز هر کتاب شامل نوع، زبان، عنوان، پدیدآور، سال انتشار، ناشر و موضوع منبع مورد استناد در آن درج‌شده بود.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در مرحله اول منابع مورد استناد به پنج دسته تقسیم شدند که عبارت‌اند از: ۱.کتاب‌ها، ۲. مجله‌ها ،

۳. پایان‌نامه‌ها، ۴. منابع اینترنتی و ۵. منابعی که تعداد آن‌ها اندک بود و در هیچ‌کدام از انواع منابع ذکرشدهٔ بالا جای نمی‌گرفت که تحت عنوان «سایر موارد» از آن‌ها نام‌برده می‌شود. در مرحله دوم زبان منابع مورد استفاده به سه دستهٔ ۱. زبان فارسی، ۲. زبان انگلیسی و ۳. سایر زبان‌ها تقسیم شدند. در مرحله سوم برای تعیین پربسامدترین نویسندگان و منابع، نویسندگان، کتاب‌ها، و مجله‌ها بر پایه عنوان تنظیم شدند و به شمارش پراستنادترین منابع و نویسندگان پرداخته شد و منابع و نویسندگان پراستناد به ترتیب از استنادهای زیاد به کم تا فراوانی ۱۰ ثبت شد. در تعیین پوشش زمانی استنادها، استنادهایی که پس از جست‌وجو، تاریخ نشر آن‌ها مشخص نشد از بقیه استنادها خارج و سپس تاریخ‌های میلادی از طریق گاه‌شمار، با سال‌های خورشیدی تطبیق داده شد. پراکندگی موضوعی استنادها نیز با استفاده از طبقه‌بندی پایگاه اطلاعاتی لیستا[1] برای موضوع‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی و رده‌بندی دیویی برای موضوع‌های غیر کتابداری تعیین شد.

تحلیل یافته‌ها

به منظور پاسخ به پرسش اول پژوهش مبنی بر تعداد استنادهای درون‌متنی در هر یک از کتاب‌های موجود در سرفصل مورد مطالعه و نیز در کل آن‌ها، درمجموع ۴۹۹۴ استناد به دست آمد که از این تعداد اطلاعات کتاب‌شناختی ۲۶۳ استناد (۵/۲۶ درصد) ناقص بوده است. جدول ۱ توزیع فراوانی میزان استنادهای درون‌متنی در کتاب‌های سرفصل مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول ۱. توزیع استنادهای درون‌متنی در کتاب‌های تألیفی (N=۱۰۳) سرفصل مورد مطالعه

تعداد کتاب‌های درسی	گستره کل استنادهای درون‌متنی
۴۰	۰
۱۸	۱-۴۰
۱۷	۴۱-۸۰
۱۱	۸۱-۱۲۰
۴	۱۲۱-۱۶۰
۳	۱۶۱-۲۰۱
۱	۲۰۲-۲۴۸
۱	۲۴۲-۲۸۱
۱	۲۸۲-۳۲۱
۱	۳۲۲-۳۶۱
۱	۳۶۲-۴۰۱

1. Library, Information Science & Technology Abstracts (LISTA)

هم‌چنین نتایج پژوهش نشان داد که، کتاب «فهرست‌نویسی رایانه‌ای: مفاهیم، شیوه‌ها و نرم‌افزارها» نوشته فتاحی، طاهری، و ناقدی احمدی با یک استناد (۰/۰۲ درصد) و کتاب «خدمات کتابخانه و شیوه‌های آن» تألیف عمادخراسانی با ۳۹۱ استناد (۷/۸۲ درصد) به ترتیب شامل کم‌ترین و بیش‌ترین تعداد استناد درون‌متنی بوده‌اند.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش و به منظور تعیین میزان استفاده از انواع منابع اطلاعاتی و تعداد استناد به آن‌ها در کتاب‌های مورد بررسی، همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد در میان انواع منابع اطلاعاتی، بیش‌ترین میزان استناد به کتاب‌ها با ۳۰۳۷ مورد است که ۶۱/۵۳ درصد استنادها را شامل می‌شود. مجله‌ها با ۱۲۴۰ (۲۴/۸۲ درصد)، پایان‌نامه‌ها با ۷۷ (۱/۵۴ درصد)، منابع اینترنتی با ۱۸۸ (۳/۷۶ درصد)، و سایر منابع با ۲۸۴ مورد استناد (۵/۶۸ درصد) در مراتب بعدی قرار دارند.

جدول ۲. توزیع فراوانی انواع منابع اطلاعاتی مورد استناد در کتاب‌های مورد بررسی

نوع منبع اطلاعاتی	تعداد استنادها	درصد فراوانی استنادها
کتاب	۳۰۷۳	۶۱/۵۳
مجله	۱۲۴۰	۲۴/۸۲
پایان‌نامه	۷۷	۱/۵۴
منابع اینترنتی	۱۸۸	۳/۷۶
سایر منابع	۲۸۴	۵/۶۸
جمع کل	۴۸۶۲	۹۷/۳۳

به منظور پاسخ‌گویی به پرسش سوم پژوهش در خصوص وضعیت زبانی استنادهای درون‌متنی کتاب‌های موجود در سرفصل مورد مطالعه، نتایج پژوهش مشخص ساخت که زبان انگلیسی با ۲۶۸۳ استناد (۵۳/۷۲ درصد) بیش‌ترین میزان استناد را به خود اختصاص داده است، و پس‌ازآن زبان فارسی با ۱۹۳۲ استناد (۳۸/۶۸ درصد) در رتبه دوم قرار دارد. ۳۷۰ استناد (۷/۴ درصد) نیز به سایر زبان‌ها تعلق‌گرفته است.

به منظور پاسخ به پرسش چهارم پژوهش، به بررسی روزآمدی منابع مورد استناد و تعیین نیم‌عمر آن‌ها پرداخته شد. برای این منظور، ابتدا استنادهایی که پس از جست‌وجو تاریخ نشر آن‌ها مشخص نشد از سایر استنادها خارج شد. از کل استنادها (۴۹۹۴ استناد)، تعداد ۳۵۷ مورد (۷/۱۴ درصد) فاقد تاریخ نشر بوده‌اند. سپس استنادها بر پایه زبان فارسی و غیرفارسی مجزا شدند.

به منظور تعیین پراستنادترین نویسندگان (داخلی و خارجی) در کتاب‌های موجود در سرفصل کارشناسی رشته کتابداری و پاسخ به پرسش پنجم پژوهش، ابتدا سیاهه‌ای از تمامی نویسندگان مورد استناد، به ترتیب نزولی دفعات استناد به آن‌ها، تهیه شد و سپس نویسندگانی که کمتر از ده‌بار به آن‌ها

استناد شده بود از فهرست حذف شدند، و در آخر فهرست کاملی از نویسندگان پراستناد و تأثیرگذار در متون مورد بررسی تهیه شد. یافته‌های این بخش از پژوهش نشان داد که پوری سلطانی با ۱۰۷ مورد، عباس حرّی با ۶۰ مورد، و جهانگیر قائم‌مقامی با ۴۶ مورد به ترتیب در رتبه‌های اول تا سوم نویسندگان فارسی پراستناد و تأثیرگذار بوده‌اند. در مورد نویسندگان تأثیرگذار خارجی نیز مشخص شد که چارلز ساماران با ۵۶ مورد، شارلوت هوک با ۴۶ مورد، و رانگاناتان با ۲۹ مورد استناد جزو نویسندگان هستۀ خارجی در کتاب‌های مورد بررسی هستند. گفتنی است که به منظور ارائۀ نتایج دقیق‌تر در این پژوهش میزان خوداستنادی نویسندگان نیز تعیین شد. در مجموع استنادهای مورد بررسی، ۱۴ مورد (۰/۲۸ درصد) خوداستنادی بوده است که در مقایسه با کل استنادها مقداری ناچیز است و بنابراین نمی‌تواند تأثیر چندانی بر روی نتایج این بخش از پژوهش داشته باشد.

در پاسخ به پرسش ششم پژوهش و به منظور تعیین پراستنادترین منابع (داخلی و خارجی) نیز به‌همان شیوه تعیین پراستنادترین نویسندگان عمل شد. به این ترتیب که سیاهه‌ای نزولی از کتاب‌ها و مجله‌ها مورد استناد تهیه و سپس منابع با فراوانی کمتر از ۱۰ از سیاهه مدنظر حذف شد. بنابراین نتایج نشان داد، کتاب‌های «اصطلاحنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی» و « Children's Literature in the Elementary School» به ترتیب در میان کتاب‌های فارسی و غیرفارسی مورد استفاده نویسندگان، بالاترین میزان استناد را دارا بودند. در جدول رتبه‌بندی مجله‌ها نیز «فصل‌نامه کتاب» با ۷۶ و « Academy of Management Journal» با ۲۸ مورد استناد، در رتبه‌های نخست قرار گرفتند[۱].

به منظور تعیین پراکندگی موضوعی استنادها و میزان مطابقت آن‌ها با موضوع کتاب استنادکننده، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. بدین ترتیب که در ابتدا با استفاده از طبقه‌بندی موضوعی پایگاه لیستا برای موضوع‌های کتابداری و هم‌چنین طبقه‌بندی دهدهی دیویی برای موضوع‌های غیر کتابداری به کدگذاری موضوع‌های پرداخته شد. لازم به ذکر است که از ۴۹۹۴ استناد مورد بررسی، ۳۲۷ مورد (۶/۵۴ درصد) از نظر موضوعی نامشخص بوده‌اند.

جدول ۸ پراکندگی موضوعی استنادها را در حوزه کتابداری در کتاب‌های مورد بررسی نشان می‌دهد. همان‌گونه که از اطلاعات جدول دریافت می‌شود موضوع‌های «کتابداری و اطلاع‌رسانی» و «رکوردهای کتاب‌شناختی» بیش از سایر موضوع‌ها مورد استنادقرارگرفته است. تعداد استنادها در

۱. لازم به ذکر است که به علت کمبود فضا از آوردن جداول مربوط به این بخش خودداری شده و صرفاً به ذکر دو عنوان از پراستنادترین منابع اکتفا شده است.

موضوع‌های غیرکتابداری نیز در جدول ۹ نشان داده شده است. همان‌طور که یافته‌های جدول نشان می‌دهد، تقریباً ۳۰ درصد منابع مورد استفاده در کتاب‌های تألیفی سرفصل رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی را منابعی با موضوع‌های غیرکتابداری تشکیل می‌دهند.

جدول ۸. توزیع و درصد فراوانی موضوعی استنادهای کتاب‌های مورد بررسی برپایه طبقه‌بندی لیستا

کد موضوعی لیستا	موضوع	تعداد استنادها	درصد فراوانی استنادها
۱	کتابداری و اطلاع‌رسانی	۴۰۱	۸/۰۲
۲	حرفه کتابداری	۴۹	۹۸
۳	کتابخانه‌ها و مراکز منابع	۳۵۹	۷/۱۸
۴	استفاده از کتابخانه و مراجعان	۱۲۸	۲/۵۹
۵	مواد و منابع	۳۰۱	۶/۰۲
۶	سازمان کتابخانه	۵۲	۱/۰۴
۸	فناوری کتابخانه	۳۳	۶۶
۹	خدمات فنی	۸۰	۱/۶
۱۰	ارتباط اطلاعاتی	۱۵۹	۳/۱۸
۱۱	کنترل کتاب‌شناختی	۶۷	۱/۳۴
۱۲	رکوردهای کتاب‌شناختی	۳۸۹	۷/۷۸
۱۳	ذخیره و بازیابی اطلاعات کامپیوتری	۲۲۶	۴/۵۲
۱۴	فناوری ارتباطات و اطلاعات	۵۳	۱/۰۶
۱۵	خواندن	۱۳	۲۶
۱۶	رسانه‌ها	۷۳	۱/۴۶
۱۷	دانش و آموختن	۲۷	۵۴
۱۸	ساختمان و تجهیزات کتابخانه	۵۰	۱
۱۹	مدیریت دانش	۲۱۳	۴/۲۶
۲۱	سواد اطلاعاتی و اطلاع‌یابی	۲۰	۴
۲۲	کتاب‌سنجی، اطلاع‌سنجی و علم‌سنجی	۱۲۹	۲/۵۸
۲۳	سایر	۲۳	۴۶
جمع		۲۸۴۵	۵۶/۹۳

جدول ۹. توزیع و درصد فراوانی موضوعی استنادهای کتاب‌های مورد بررسی بر پایه رده‌بندی دیویی

شماره رده	موضوع	تعداد استنادها	درصد فراوانی استنادها
۰۰۰	کلیات	۶۰	۱/۲
۱۰۰	فلسفه و روان‌شناسی	۴۸	۹۶
۲۰۰	دین	۷۳	۱/۴۶
۳۰۰	علوم اجتماعی	۶۱۶	۱۲/۳۳
۴۰۰	زبان	۱۰۰	۲
۵۰۰	علوم طبیعی	۱۹	۳۸
۶۰۰	فناوری (علوم کاربردی)	۲۸۵	۵/۷
۷۰۰	هنرها	۲۵	۵
۸۰۰	ادبیات (آثار ادبی)	۲۳۷	۴/۷۴
۹۰۰	تاریخ، جغرافیا، و علوم وابسته	۱۶۰	۳/۲
جمع		۱۶۲۳	۳۲/۴۷

پس از انجام این مرحله، درصد موضوع‌های منطبق و نامنطبق برای هر کتاب به‌طور جداگانه مشخص شد و جهت انجام آزمون تی و بررسی وجود یا عدم وجود تفاوت معنی‌دار بین درصد استنادهای منطبق و غیر منطبق در متن، وارد نرم‌افزار اس. پی. اس. اس. شد. نتایج نشان داد که میزان عدم انطباق موضوع‌های استنادها اندکی از انطباق آن‌ها بیش‌تر است، البته اختلاف بین این دو فاحش نبوده و تنها در حدود یک درصد اختلاف دارند که این یک واحد اختلاف معنی‌دار نیست و این امر حاکی از آن است که، نویسندگان تقریباً به یک اندازه از این دو نوع ارجاع استفاده می‌کنند.

درنهایت جهت پاسخ به پرسش آخر پژوهش، مبنی بر وجود یا عدم وجود کتاب‌هایی که از نظر اعتبار نویسنده، اعتبار استنادهای درون‌متنی، اعتبار ناشر، و روزآمدی از اعتبار کم‌تری (با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده‌های پژوهش) برخوردارند و نیاز به بازنگری آن‌ها نیز باید گفت که با توجه به ارتباط میان وجود استناد در یک اثر علمی و کیفیت آن اثر طبق آنچه که صاحب‌نظران حوزه تحلیل استنادی بیان کرده‌اند، می‌توان اذعان نمود که عدم وجود استناد در چهل عنوان کتاب درسی موجود در سرفصل مورد مطالعه، لزوم بازنگری در آن‌ها و جایگزینی آن‌ها توسط منابع معتبرتری را ایجاب می‌کند، به‌ویژه آن‌که بخش عمده‌ای از کتاب‌های فاقد استناد را متون قدیمی تشکیل می‌دهد. از آنجا که این پژوهش صرفاً به بررسی و تحلیل استنادهای درون‌متنی این کتاب‌ها پرداخته است پس می‌توان نتیجه گرفت که این کتاب‌ها یا به هیچ اثری استناد نکرده‌اند، که در این صورت اعتبار آن‌ها از نظر علمی مورد تردید است، یا اصل

استناد در آن‌ها رعایت نشده است.

از نظر اعتبار نویسندگان کتاب‌های تألیفی سرفصل مورد مطالعه، باید بیان کرد که نزدیک به ۷۰ درصد از نویسندگان این کتاب‌ها جزء نویسندگان مورد استناد در این کتاب‌ها بوده‌اند. در بررسی روزآمدی کتاب‌های مورد مطالعه مشخص شد که قدیمی‌ترین کتاب‌ها مربوط به ۴۰ تا ۵۵ سال پیش است که با در نظر گرفتن پیشرفت‌های سریع علمی به‌ویژه در سال‌های اخیر، نیاز به جایگزینی آن‌ها توسط منابع جدید احساس می‌شود. به‌طورکلی، منابع پیشنهادی برای دروس اختیاری رشته نسبت به دروس اجباری از روزآمدی کم‌تری برخوردار است.

در آخر با بررسی ناشران کتاب‌های مورد بررسی، مشخص شد که حدود ۸۲ درصد از ناشران این کتاب‌ها را ناشران دانشگاهی و ۱۸ درصد باقیمانده را ناشران تجاری تشکیل داده‌اند که با توجه به تخصصی بودن این کتاب‌ها، مناسب‌تر است که کتاب‌های درسی مورد استفادهٔ دانشجویان و اساتید در دانشگاه‌ها توسط ناشران دانشگاهی و به‌ویژه ناشران فعال در حوزهٔ کتابداری منتشر شوند.

نتیجه

در میان کتاب‌های بررسی‌شده، بیش‌ترین استناد درون‌متنی را کتاب «خدمات کتابخانه و شیوه‌های آن»، نوشته نسرین‌دخت عمادخراسانی (۳۹۱ استناد) در بر داشت. هم‌چنین کم‌ترین استناد یافت شده در کتاب‌های «فهرست‌نویسی رایانه‌ای: مفاهیم، شیوه‌ها و نرم‌افزارها»، نوشتهٔ رحمت‌الله فتاحی، مهدی طاهری، و فرشته ناقدی‌احمدی و «استانداردهای کتابخانه‌های تخصصی ایران»، تألیف شیرین تعاونی و دیگران است که فقط دارای یک استناد بوده‌اند. در مورد نوع مدارک مورد استفاده در کتاب‌های تألیفی موجود در سرفصل مورد مطالعه که موضوع دومین پرسش پژوهش است، نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش نشان داد که بیش‌ترین درصد منابع مورد استناد را کتاب‌ها تشکیل می‌دهند و به دنبال آن به ترتیب مقاله‌های مجله‌ها، سایر منابع (گزارش‌ها، جزوه‌ها، طرح‌ها و غیره)، منابع اینترنتی، و پایان‌نامه‌ها قرار دارند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نویسندگان کتاب‌های مورد بررسی، تمایل بیش‌تری به استناد به کتاب دارند و این بدان معنی است که نویسندگان از منابع دست اول کم‌تر استفاده می‌کنند. یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر در مورد زبان‌های مورد استناد در کتاب‌های تألیفی مورد مطالعه که موضوع سومین پرسش پژوهش است نشان داد که حدود ۶۰ درصد منابع مورد استناد به زبان‌های خارجی و به‌ویژه زبان انگلیسی و نزدیک به ۴۰ درصد منابع مورد استناد به زبان فارسی بوده‌اند. گفتنی است که تعداد استناد به منابع فارسی در پژوهش عصاره ۲ درصد بوده است که اکنون در این پژوهش به ۴۰ درصد رسیده است و اگرچه هنوز هم

به کتاب‌های فارسی کم‌تر استناد می‌شود اما نرخ رشد از ۲ درصد به ۴۰ درصد نشان از افزایش متون فارسی در طی این سال‌ها دارد.

در مورد روزآمدی و تعیین نیم‌عمر منابع مورد استناد در کتاب‌های مورد بررسی، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بیش‌ترین تعداد استنادها در فاصله زمانی ۱۳۶۸تا۱۳۷۵ قرار دارند. درنتیجه نیم‌عمر منابع مورد استناد در منابع فارسی ۱۶ سال و ۹ ماه و در منابع انگلیسی ۱۷ سال و ۶ ماه برآورد شد. همان‌طور که مشخص است، میان روزآمدی منابع فارسی و انگلیسی اختلاف ناچیزی (۷ ماه) وجود دارد که قابل اغماض است. به‌طور کلی، چنین به نظر می‌رسد که منابع مورد بررسی روزآمد نیستند و با توجه به عصر حاضر و وجود منابع دیجیتالی و الکترونیکی و دسترسی آزاد و اینترنت و وب جهان‌گستر انتظار می‌رود که منابع سرفصل مورد بررسی از روزآمدی بسیار بیش‌تری برخوردار باشند. بنابراین، نیاز به جایگزینی آن‌ها توسط منابع و مطالب جدیدتر به خوبی احساس می‌شود.

نتایج این پژوهش در مورد پراستنادترین نویسندگان (اعم از داخلی و خارجی) در کتاب‌های مورد بررسی نشان داد که پوری سلطانی با ۱۰۷ مورد، عباس حرّی با ۶۰ مورد، و جهانگیر قائم‌مقامی با ۴۶ مورد به ترتیب در رتبه‌های اول تا سوم نویسندگان فارسی پراستناد و تأثیرگذار بوده‌اند. در مورد نویسندگان تأثیرگذار خارجی نیز مشخص شد که چارلز ساماران با ۵۶ مورد، شارلوت هوک با ۴۶ مورد، و رانگاناتان با ۲۹ مورد استناد جزو نویسندگان هستهٔ خارجی در کتاب‌های مورد بررسی هستند. نکته جالب توجه آن‌که در پژوهش‌های تحلیل استنادی در حوزهٔ کتابداری که جهت تعیین نویسندگان هسته صورت گرفته است نام نویسندگان شناخته شده‌ای چون محمدحسین دیانی، فریده عصاره، رحمت‌الله فتاحی، ویلیام کتز، لنکستر و غیره به چشم می‌خورد، در صورتی که در پژوهش حاضر به دلیل این‌که این افراد کم‌تر از ۱۰ استناد دریافت کرده‌اند در سیاهه پراستنادترین نویسندگان داخلی و خارجی قرار نگرفته‌اند. این امر گویای این واقعیت است که از کتاب‌های نویسندگان حیطه مهم اطلاعات و دانش‌شناسی در منابع سرفصل مورد بررسی کم‌تر استفاده شده است و در عوض بیش‌تر از آثار نویسندگان خارج از رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی در این سرفصل نام برده شده است.

در مورد تعیین پراستنادترین منابع داخلی و خارجی در کتاب‌های تألیفی سرفصل مورد مطالعه، نتایج پژوهش نشان داد که در بین کتاب‌های فارسی مورد استناد، کتاب «اصطلاحنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی» تألیف پوری سلطانی و فروردین راستین و در بین کتاب‌های غیرفارسی، کتاب « Children's Literature in the Elementary School» بیش‌ترین میزان استناد را دارا بوده‌اند.

هم‌چنین، بررسی‌های انجام‌شده نشان داد که پراکندگی موضوعی استنادها یکسان نیست و ۵۶/۹۳ درصد از استنادهای صورت گرفته در کتاب‌های تألیفی سرفصل مورد مطالعه، به موضوع‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی و ۳۲/۴۷ درصد به موضوع‌های غیرکتابداری اختصاص داشته‌اند که البته با توجه به تخصصی بودن این کتاب‌ها بیش‌تر بودن سهم موضوع‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی منطقی به نظر می‌رسد، باوجوداین، تعداد استنادها به موضوع‌های غیرکتابداری زیاد است. باوجوداین‌که بیش از نیمی از استنادها به موضوع‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی اختصاص داشته‌اند، اما از نظر تطابق موضوع استنادها با موضوع کتاب استنادکننده، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که میزان استنادهای غیرمنطبق اندکی از میزان استنادهای منطبق بیش‌تر بوده است، هرچند که اختلاف بین آن دو بسیار ناچیز بوده است که می‌توان چنین استنباط کرد که نویسندگان تقریباً به یک اندازه از این دو نوع ارجاع استفاده می‌کنند.

در مورد اعتباریابی کتاب‌های تألیفی سرفصل مورد مطالعه از نظر اعتبار استنادهای درون‌متنی، اعتبار نویسنده، و روزآمدی آن‌ها، باید گفت: آنچه که در این قسمت ارائه می‌شود درواقع با توجه به بررسی‌های انجام شده بر روی استنادهای درون‌متنی این کتاب‌ها است و پرسش آخر پژوهش نیز بر این اساس پاسخ داده شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که از کل کتاب‌های تألیفی در دسترس سرفصل جدید کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی (N=۹۸) بیش از نیمی از آن‌ها برابر با ۵۹/۱۸ درصد، (۵۸ عنوان) دارای استناد درون‌متنی بوده‌اند و ۴۰ عنوان (۴۰/۸۱ درصد) به دلایل مختلف از جمله قدیمی بودن کتاب، شیوه استناددهی، یعنی استفاده از استناد برون‌متنی یا استناد در مآخذ، و همین‌طور ماهیت دست‌نامه‌ای بودن کتاب (مانند کتاب سرعنوان‌های موضوعی فارسی) فاقد استناد درون‌متنی و حتی مآخذ بوده‌اند. بر طبق آنچه که صاحب‌نظران حوزه تحلیل استنادی از جمله گارفیلد، پائو، زایمن، اگه و روسو، عصاره، حرّی و غیره معتقدند که استناد لازمه هر اثر علمی است و موجب اعتباربخشی به آن می‌شود. بنابراین، عدم وجود استناد در کتاب‌های درسی یک رشته علمی می‌تواند یکی از عوامل عدم اعتبار آن‌ها باشد (به‌جز موارد اندکی مانند سرعنوان‌های موضوعی فارسی که ماهیت آن چنین ایجاب می‌کند). با توجه به این امر می‌توان اذعان نمود که کتاب‌های فاقد استناد درون‌متنی در این بررسی از اعتبار کافی برخوردار نبوده و نیاز به بازنگری در آن‌ها ضرورت دارد. در مورد اعتبار نویسندگان کتاب‌های مورد مطالعه، بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که اگرچه بیش‌تر نویسندگان این کتاب‌ها جزو نویسندگانی بوده‌اند که در این کتاب‌ها، توسط سایر نویسندگان مورد استناد قرار گرفته‌اند، اما، همان‌طوری که اشاره شد برخی از افراد شاخص که دارای کتاب‌های ارزش‌مندی نیز هستند، در سطح ۱۰ استناد، مورد استناد

واقع شده‌اند. در بررسی روزآمدی کتاب‌های مورد مطالعه، بررسی‌ها نشان داد که قدیمی‌ترین کتاب فارسی موجود در سرفصل مورد مطالعه (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملّی تألیف عبدالله انوار) مربوط به ۵۵ سال پیش بوده است و تعداد کتاب‌هایی که در دهه ۱۳۸۰ منتشر شده‌اند قابل توجه نبوده است. این نتایج نشان‌دهندهٔ کهنگی کتاب‌های مورد بررسی است که با توجه به پیشرفت‌های سریع علمی و فناوری در تمام حوزه‌ها و از جمله حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی به‌ویژه در سال‌های اخیر، جا دارد که این امر، مورد توجه مسئولان بازنگری سرفصل جدید واقع شود.

References

Jaff, Eugene D. (1997). International marketing textbooks: a citation analysis as an indicator of the discipline’s boundaries. *International Marketing Review*, 14(1), 9-19.

Jones, Sarah k. (2010). *A quantitative content analysis of in-text citations in choral pedagogy books published between 1989- 2009*. MA dissertation, University of Kansas.

Kiyanmehr, Ehteram (2007). A citation analysis of articles published in journals in Library and Information Science (1996- 2003). *national studies on librarianship and information organization*, 18(2), 101-122. (In Persian)

Mohammadi, Mehdi ; Mottaghi Dadgar, Amir (2006). A citation analysis of articles published in 30 issues of Library and Information Science Journals" between the years 1997- 2005. *Library and Information Science Quarterly*, 10(2), 7-35. (In Persian)

Osareh, Farideh (1986). Study the status of Persian cited in medical journals, journals of Medical School, University of Tehran, Shahid Beheshti and Mashhad in 1975- 1986. MS Thesis, Tehran University. (In Persian)

Sen, P. K. (2000). Symbols and formulas for a number of bibliometric (Mahmoud Salari, Translator). *Library and Information Quarterly*, 3 (1), 129- 144. (In Persian)

Shichor, David (1982). An analysis of citations in introductory criminology textbooks: a research note. *Journal of Criminal Justice*, 10, 231- 237.